مفاسد رجوع به مدعیان ابطال سحر

شاگرد: برخی از عوام این سؤال را مطرح می‌کنند که نسبت به مشکلات زندگی خود احتمال جدی می‌دهیم که دخالت سحر باشد. مثلاً موردی بود که می‌گفت من در تابلوی منزلمان کاغذ عجیبی پیدا کردم که اعضاء خانواده آن را نگذاشته بودند. در اینجا احتمالات مختلفی می‌توان داد؛ یکی اینکه بگوییم والیت اهل البیت حرز است و مردم توسل کنند، ای برای اهل البیت این مطلوب هست که همانطور که به دکتر مراجعه می‌کنند، در اینجا هم باید به فرد با تقوای مسلط به علوم غریبه رجوع کنند؟ به عبارت دیگر نیاز هست که دنبال این شخص بروند یا اینکه اعتناء نکنند و توسل بکنند؟

استاد: این خیلی زیاد سؤال می‌شود. من همیشه دو-سه کلمه را تکرار می‌کنم. عرض می‌کنم اصل خود سحر و از این مطالب قطعاً ثابت است. هم آیه شریفه هست و هم شواهد دارد. حتی در فقه هم آمده اگر با سحر کسی را بکشد؛ اینکه ثابت هست یا نیست، در کتاب قصاص این بحث آمده است. «لو قتل شخصا بالسحر». یعنی حتی می‌توانند با سحر کردن قاتل به حساب بیاید.چه قبول بکنیم یا نه، این در کتاب آمده است. لذا اصل سحر چیز درستی است. اینکه کسی می‌تواند در اینها تخصص داشته باشد هم حرفی نیست. اول طلبگیم بود، مرحوم آقای علاقه بند فرمودند که در یزد تنها یک نفر است که ابطال سحر بلد است. آن هم مرحوم آشیخ جلال آیت اللهی. خدا رحمتشان کند. آقای آشیخ جلال در اصفهان درس خوانده بودند، جامع بودند. هیچ علمی نبود که ایشان بلد نباشند. ما خودمان که تازه طلبه شده بودیم، محضر ایشان تشریح الافلاک شیخ بهائی را خواندیم. خدا رحمتشان کند. عمر مبارکشان هم ۱۰۲ سال شد. یعنی ابطال سحر علومی است که برخی بلد بودند. علمائی بودند که دنبالش بودند. حاج آقای بهجت می‌فرمودند که من در عمرم زرنگ‌تر از این نشنیده بودم؛ آقای آسید مرتضی کشمیری که از اوتاد بودند و استاد آقای قاضی بودند، ایشان قبل از بلوغشان دیدند که تعلم علم سحر و امثال اینها حرام است. گفتند من تا به تکلیف نرسیده ام آنها را می‌خوانم تا بعد از اینکه به تکلیف رسیدم کار حرامی نکنم. حاج آقا می‌فرمودند که من این زرنگی را نشنیده بودم.

بنابراین اینها هست. اما آن چه که می‌دانیم طریقه روایات اهل البیت بوده، مراجعه به خبره برای اینها نبوده. چرا؟ به‌خاطر اینکه از مدعیان خبرویت دون و پنج درصدش شاید کذب است و فقط ادعا است. ما نمی‌دانیم. علومی است که مخفی است و ما خبر نداریم. تجربتا هم دیده‌ایم. این تجربه‌ها است که من دیده‌ام. خیلی نادر است، حتی یک مورد هم یادم نمی‌آید که کسی دنبال حل این امور از طریق مراجعه به اینها برود و بعد در زندگی گرفتار مشکلات نشده باشد. ساده‌ترین آنها کوتاه شدن عمر است.

شاگرد: ظاهراً تعلیم و تعلم آن هم موجب فقر می‌شود.

استاد: حال تعلیم و تعلمش یک چیز است. اما اینکه خود عوام به‌دنبال آن هایی که می‌گویند بلد هستیم بروند و دستور العمل هایی آنها را عمل کنند. این آثار دارد. مثل آب شور دریا است. لذا من در یک کلمه عرض می‌کنم. آنها به همین چیزهایی که علماء می‌گویند مراجعه کنند. مثلاً دفتر حاج

آقای بهجت پنج ای شش امر دارند. وقتی تلفن زنگ میزنند سریع به آنها میگویند. در منزل اذان بلند بگوید، آیت الکرسی بخواند و... . اگر به اینها عمل بکند آثار خوب هم میبینند.

شاگرد: خود حضرت عالی توصیهای دارید؟

استاد: توصیه من این است که سراغ کسانی که مدعی اینها هستند، نروند. اصل بر این است که سراغ اینها نروند.

شاگرد: حتی اگر حوزوی باشند؟

استاد: الا آن جایی که مطمئن بشوند که تخصص واقعی را دارد. مثل اینکه میگویند از مجتهد تقلید بکن. اصل این است که بنابگذار بر اینکه مجتهد نیست، مگر اینکه بر تو ثابت شود که مجتهد هست.

شاگرد: با توجه به روایتی که میگوید ولایت اهل البیت حرز است، میتوانیم بگوییم به جای مراجعه به این شخص به زیارت امام رضا بروید؟ یا مثل دکتر است و در این عالم طریق عادی هست؟

استاد: نه، اصلاً، من این را مطمئن هستم که عرض میکنم که این مثل دکتر نیست. چرا؟ چون خبرویت دکتر از طریق های متعارف است که میدانند. طریق هایی که خودش از غرائب است و اطلاع بر اینکه او خودش چقدر مسلط است و طریق محک زدن او مشخص نیست، مانند طبیب نیست. سفارش من این است که اینها را کنار بگذارد. بهخاطر اینکه من تجربات دیدهام.

شاگرد: حتی پنج درصدی که فرمودید؟

استاد: بله، همینی که شما فرمودید. از طریق روایات، ختومات و توسلات، خیلی نتایج بهتری میگیرند. به شرط اینکه مردد نباشند که نزد او بروم یا نروم. نه دیگر! کامل و صد در صد اختیار اموراشان را به دست توسلات بدهند و متوسل به معصومین بشوند. ان شالله اثر خوبی دارد.

شاگرد۲: کسانی که جواب میگیرند، چطور؟ مثلاً یکی حرزی را میونویسد و میگوید این همراه تو باشد، تا خوش خلق شوی. او اثر را میبیند. یعنی کسانی که اثر را میبینند چطور میشود؟

استاد: مثالهایی که عرض کردم برای من همین ها بود. میرود و میبیند که اثر دید، باز هم میرود اما به سن من نیاز است که ببینید در زندگی آنها چه ها پیش آمده است. من با چشم خودم دیدم.

شاگرد: پس یک مقداری اثر میگذارد.

استاد: بله، اثر میگذارد. مثال زدم به آب دریا. شور است. یعنی اول که میخوری میبینی آب بود، یک خورده به گلوی تو رفت و تشنگی را شکست، اما نمیداند که وقتی خورد مرتب از آن میخورد و میخورد تا اینکه به هلاکت منجر می شود.

شاگرد: فرض خوبش این است که طرف دروغ گو در بیاید.

استاد: نه، لازم نیست که آن شخص دروغ گو باشد. دستگاه خلقت این است که ادامه دادن به تخصص او، مناسب با مجموع تکوین عالم نیست.

شاگرد: پس این فرمایش شیخ بهائی که فرموده بودند لازم است عدهای از علماء برای ابطال سحر اقدام کنند... .

استاد: یعنی علم را بدانند.

شاگرد: علمی که از آن استفاده نشود چه فایده‌ای دارد؟

استاد: نه، خود آن عالم اعمال می‌کند. نه اینکه به مردم مراجعه کند. ببینید خیلی فرق است که شیخ بهائی بگوید: ایها الناس برای ابطال سحر سراغ علماءبروید، با اینکه بگوید ایها الحوزویین شما بلد باشید که اگر یک جایی محل نیازتان شد اعمال کنید. کما اینکه آقای آیت اللهی بلد بودند. ایشان در حوزه اصفهان اینها را بلد بودند. ولی متأسفانه همه اینها رفتند.

شاگرد: شما کسی را در ابطال سحر می‌شناسید؟

استاد: من نه.

شاگرد: حاج آقای حسن زاده...

استاد: حاج آقای حسن زاده ابطال سحر را نفرمودند. آن چه که من صریحاً در جلسه درس شنیدم این بود که فرمودند شما جوان هستید. من به شما سفارش می‌کنم که دنبال جفر نروید. بعد فرمودند من بخش مهمی از عمرم را در جفر گذراندم. استاد خوب داشتم. اما نتیجه کارهای من این شده که تمام تحصیلات علم جفر، در نهایتش باید شعبه‌ای از الهام باشد. تعبیری ایشان این بود. یعنی کار تمام نمی‌شود. یک چیزی باید از ناحیه غیب بشود. لذا فرمودند اگر آن است، گاهی می‌بینید که خدای متعال بالاتر از آن را انجام می‌دهد. این عبارتی بود که در کتابش چاپ شده است. کتاب درس هیئت و سائر رشته‌های ریاضی. کتاب دو جلدی است که چاپ شده است. در مسجد معصومیه می‌فرمودند. این را در آن جا گفتند. گفتند الآن که شما در سن جوانی هستید من به شما سفارش می‌کنم که به‌دنبال آن نروید. خودشان شاگرد مرحوم آقای آسید مهدی قاضی بودند. پسر بزرگ آقای قاضی بزرگ. ایشان تا آخر دامادهم نشده بودند. ایشان هنگامه بوده در تخصص. آقای حسن زاده هم در تخصص این استادشان در علم جفر خیلی تعبیرات بزرگی دارند. شاید مکتوب هم کرده باشند. شاید من در خط ایشان خوانده باشم.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #2
ایجاد شده 23 آوریل 2024 16:17:17 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2024 12:08:20 توسط ... .